

نقش موضوع در اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس با نگاهی به حقوق ایران و استرالیا

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۰۲

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۰۹

سید علی سید احمدی سجادی^۱

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس فارابی

عصمت دانش‌آرا^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در گذشته اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس و استرالیا بر اساس قاعده اترراوایریز محدود به موضوع شرکت بود. قاعده مذکور، که برای حمایت از حقوق شرکای شرکت اعمال می‌شد، با شرایط دنیای تجاری که از لوازم آن سرعت و امنیت در معاملات تجاری است سازگار نبود، امروزه با پیدایش تحولات اقتصادی، کشورها درصدد کاستن از قالب‌های حقوقی پیچیده گذشته و استفاده از قالب‌های ساده و روان می‌باشند تا سرعت و امنیت در روابط تجاری تضمین گردد. در همین راستا در کشورهای انگلیس و استرالیا اهلیت نامحدود به شرکت‌های تجاری اعطاء شده و اهلیت را محدود به موضوع نمی‌دانند. در ایران مقررات صریحی در این خصوص نبوده و اکثر حقوقدانان با استناد به اصل تخصص اهلیت شرکت را محدود به موضوع آن می‌دانند. لایحه جدید قانون تجارت نیز راه حلی جهت حل مسئله مذکور ارائه نداده است. وجود شرکت‌های تجاری با تعیین فعالیت‌های گسترده و کلی به عنوان موضوع شرکت از یک طرف و عدم وجود نظارت قوی و مؤثر بر شرکت از سوی دیگر نشان می‌دهد تحدید اهلیت شرکت ابزار مناسبی جهت نظارت بر امور شرکت نمی‌باشد در این نوشتار سعی شده است تحولات قانونی در خصوص اهلیت شرکت در نظام حقوقی انگلیس مطالعه و با نگاهی به حقوق ایران و استرالیا آثار تحدید اهلیت شرکت بر روابط تجاری و حقوق شرکای شرکت بررسی شود.

واژگان کلیدی: اهلیت، موضوع شرکت، قاعده اترراوایریز، اصل تخصص

مقدمه

یکی از نتایج اعطای شخصیت حقوقی به شرکت‌های تجاری، وجود اهلیت تمتع برای شرکت‌های مزبور است. به موجب مواد ۵۸۸ قانون تجارت ۱۳۱۱ ایران و ۱۲۹ لایحه جدید تجارت، اشخاص حقوقی، جز در مواردی که در صلاحیت ذاتی انسان‌هاست، دارای کلیه حقوق و تکالیف

1. Email: saasajadi@gmail.com

2. Email: esmatdanehara@yahoo.com

«نویسنده مسئول»

اشخاص حقیقی می‌باشند. در خصوص محدود بودن یا نبودن اهلیت شرکت‌ها در محدوده موضوع شرکت، نظام حقوقی ایران فاقد صراحت قانونی لازم می‌باشد. موضوع شرکت فعالیتی است که شرکت جهت انجام آن تشکیل می‌شود. در گذشته در نظام حقوقی انگلیس و استرالیا که از جمله کشورهای پیشرفته در زمینه قوانین شرکت‌ها می‌باشند اهلیت شرکت بر اساس قاعده آلتراوایریز محدود به موضوع شرکت بود. در ایران اکثر حقوقدانان با تکیه بر اصل تخصص اهلیت شرکت را محدود به موضوع شرکت می‌دانند. به نظر می‌رسد هدف از تحدید اهلیت شرکت، حمایت از حقوق شرکای شرکت به ویژه سهامداران اقلیت می‌باشد. این در حالی است که شرکت‌های تجاری برای تسهیل و تسریع روابط تجاری و داشتن انعطاف لازم برای سازگاری با تغییرات سریع اقتصادی، موضوعاتی بسیار کلی و متنوع تعیین می‌نمایند. بنابراین امروزه قوانین شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس و استرالیا دستخوش تحولات عمیقی در خصوص اهلیت شرکت‌ها گردیده تا پاسخگوی نیازها و مقتضیات تجاری جهان اکنون باشد. در مقاله پیش رو با بررسی تحولات حقوق انگلیس و استرالیا در صدد پاسخگویی به این سؤالات می‌باشیم:

آیا تحدید اهلیت شرکت در قلمرو موضوع آن پاسخگوی تحولات تجاری کنونی است؟

آیا تحدید اهلیت شرکت ابزار مناسبی جهت نظارت بر امور شرکت می‌باشد؟

۱- تعریف و مفهوم قاعده آلتراوایریز و نقش آن در اهلیت شرکت‌های تجاری

در کامن‌لا بر اساس قاعده آلتراوایریز موضوع شرکت باید در شرکت‌نامه معین گردیده و شرکت فاقد اهلیت خارج از موضوع معین شده است. اصطلاح آلتراوایریز مشتق از دو کلمه است: «آلترا»^۱ به معنای تجاوز و «وایریز»^۲ به معنای اختیارات (3: 2010, vaidya). این اصطلاح در حقوق انگلیس استفاده می‌شود تا نشان دهد که یک شرکت فراتر از اختیارات خود که با توجه به موضوع شرکت دارا بوده، اقدام کرده است (102: 1997, Farrar & Furey & Hannigan). در نتیجه کاربرد اصطلاح آلتراوایریز محدود به مواردی است که قرارداد فراتر از اهلیت شرکت منعقد شده و باطل است (415: 1977, chitty).

قاعده آلتراوایریز نسبت به همه شرکت‌های تجاری اعمال نمی‌گردد. در حقوق انگلیس شرکت‌های تجاری از جهت نحوه ایجاد به شرکت‌های چارترد، شرکت‌های قانونی و شرکت‌های ثبت شده تقسیم می‌شوند. شرکت‌های چارترد با فرمان پادشاه تشکیل و شخصیت حقوقی

1. ultra
2. vires

می‌یابند. شرکت‌های قانونی به موجب قانون خاص پارلمان ایجاد می‌گردند. علاوه بر این دو مورد، افراد می‌توانند بر اساس قانون شرکت‌های تجاری اقدام به ایجاد شرکت‌هایی تحت عنوان شرکت‌های ثبت شده نمایند.

در شرکت‌های چارترد قاعده آلتراوایریز اعمال نمی‌شد. شرکت‌های قانونی و ثبت شده تحت حاکمیت نظریه آلتراوایریز قرار داشتند (Barker & padfile, 1992: 104). اکنون با توجه به تحولات قانونی در ارتباط با شرکت‌های ثبت شده این قاعده دستخوش تغییراتی شده که در مباحث آتی به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت.

۲- شرایط ایجاد و سیر تحول در قاعده آلتراوایریز و ضرورت تعدیل آن در حقوق انگلیس

قاعده آلتراوایریز تا سال ۱۸۵۵ مورد توجه نبود. تا قبل از سال ۱۸۵۵ شرکت‌های تجاری تحت قواعد شرکت مدنی قرار داشتند. به موجب قواعد مذکور، تغییرات اساسی در موضوع شرکت با رضایت همه شرکاء میسر بود و اقدامات انجام شده توسط هر شریک، خارج محدوده اختیارات تفویضی به او، برای سایر شرکاء الزام‌آور نبود. بنابراین قواعد شرکت مدنی برای حمایت از سرمایه‌گذاران کافی به نظر می‌رسید، از طرف دیگر به دلیل وجود مسئولیت نامحدود اعضای شرکت، طلبکاران توسل به وسیله دیگری را برای حمایت از خودشان لازم نمی‌دیدند (3: 2010, vaidya).

در سال ۱۸۵۵ تحولات حقوقی مهمی اتفاق افتاد. از مهم‌ترین آن‌ها پیدایش شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت و اصل مسئولیت محدود برای شرکای شرکت بود. با پیدایش شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت و اداره شرکت توسط مدیران و وجود مسئولیت محدود برای شرکاء، طلبکاران و شرکای شرکت حقوق خود را در معرض خطر یافتند. همه این عوامل فضای مطلوبی جهت پیدایش نظریه آلتراوایریز ایجاد کرد (Ibid). در چنین شرایطی تحدید اهلیت شرکت ابزار مناسبی جهت نظارت بر امور شرکت تصور می‌شد. زیرا با تعیین موضوع شرکت، هدفی را که شرکاء جهت وصول به آن سرمایه‌گذاری می‌کردند دانسته و اقدامات خلاف اهلیت، توسط هر کدام از شرکاء قابل ابطال بود و بکارگیری سرمایه شرکت که وثیقه عمومی طلبکاران بود در سایر موضوعات امکان نداشت.

اندکی بعد از توسل به این قاعده کامن‌لایی عیوب و زوایای تاریک این قاعده ظاهر شد. اعمال قاعده آلتراوایریز که با اعمال نظریه دیگری از کامن‌لا به نام نظریه «خطار فرضی»^۱ همراه می‌شد، جمود و سختی این قاعده را بیشتر نشان داد (206: 1997, Paull). ترکیب نظریه

1. doctrine of constructive notice

آلتراواپریز با نظریه اخطار فرضی، اشخاص ثالثی را که به آلتراواپریز بودن معامله و موضوع شرکت آگاه نبودند، با قراردادهای باطل روبرو می‌نمود. مطابق این نظریه، هر شخصی که با یک شرکت ثبت شده معامله می‌کرد نسبت به مفاد اسناد عمومی (شرکت‌نامه و اساسنامه) آگاه فرض می‌شد. این نظریه امکان طرح ادعای عدم آگاهی از فقدان اهلیت شرکت را جهت انعقاد معامله از سوی اشخاص ثالث غیرممکن می‌کرد (Dignam & Lawry, 2001: 239).

از طرف دیگر مدیران شرکت در هر قدمی که می‌خواستند بردارند، لازم بود ببینند که آیا اقدامشان در محدوده موضوع شرکت قرار می‌گیرد یا خیر؛ این امر اصل سرعت را که لازمه فعالیت تجار بود محدود کرد و انعطاف لازم از شرکت در برابر تغییرات سریع دنیای تجاری در نتیجه سرعت و امنیت در روابط تجاری مختل گردید. به دلیل این مشکلات دادگاه‌ها و تجار، تلاش‌هایی برای کاهش آثار نامطلوب این قاعده، نمودند (Vaidya, 2010: 6).

مهم‌ترین اقدام دادگاه‌ها جهت تعدیل این قاعده توسل به اصل اختیار ضمنی و فرعی بود. این اصل در دعوی Attorney General's v. Mersey Railway Co. (1907) تثبیت شد. مطابق این اصل یک شرکت نه تنها اختیار انجام اقداماتی را دارد که در محدوده موضوع شرکت است، بلکه اختیار انجام اقداماتی را دارد که لازمه انجام اختیارات اعطایی به او است. برای مثال شرکتی که برای خرید و فروش زغال سنگ ایجاد شده اهلیت خرید یا اجاره کامیون، گاری و استخدام کارگران را دارد. زیرا این اقدامات لازمه خرید و فروش زغال سنگ هستند (Ibid. 7). بنابراین برای تعیین این امر که آیا یک اقدام خاص آلتراواپریز می‌باشد یا خیر؛ نخست باید هدف اصلی را مشخص کرد. اگر اقدام انجام شده در محدوده هدف اصلی شرکت و اختیارات ضمنی و فرعی نباشد آلتراواپریز و باطل است (Ibid. 8).

تجار تلاش‌های زیادی برای فرار از نتایج قاعده آلتراواپریز نمودند. از جمله اینکه قید راجع به موضوع را بسیار وسیع نموده و قیدی در بند راجع به موضوع شرکت گنجانده شد؛ حاکی از اینکه هر یک از بندها موضوعی مجزا و مستقل بوده و هیچ‌کدام فرع و تابع موضوع دیگر نمی‌باشد. این قید به عنوان «بند راجع به موضوعات مستقل»^۱ شناخته شد. بنابراین همه موضوعات تعیین شده مستقل بوده و نبود هر کدام از آنها نمی‌توانست منجر به انحلال شرکت شود (Ibid. 10). درج چنین قیدی در سال ۱۹۱۸ در دعوی Cotman v. Brogham پذیرفته شد. در این دعوی شرکت خوانده برای به دست آوردن زمین‌های مناسب کشت تنباکو و تولید لاستیک تشکیل گردید. بند ۸ قید راجع به موضوعات در شرکت‌نامه، اختیار تأسیس شرکت‌ها و معامله در اوراق

1. independent objects clause

بهادار را به شرکت اعطاء نموده بود. بند ۳۰ مقرر می‌داشت موضوعات تعیین شده در هر یک از بندها مستقل بوده و نباید همچون اختیاری فرعی نسبت به دیگر موضوعات تفسیر شوند. شرکت مذکور سهام یک شرکت نفتی را تعهد نمود. شرکت نفتی منحل و در شرف تصفیه قرار گرفت و نام شرکت خوانده در فهرست اشخاصی قرار گرفت که می‌بایست در پرداخت دیون شرکت نفتی مشارکت می‌کرد. شرکت مزبور برای فرار از چنین امری تعهد سهام را از سوی خود آلتراوایریز و باطل دانست اما مجلس اعیان به استناد بند ۳۰ شرکت‌نامه هر کدام از بندها را مستقل انگاشته و حکم به بطلان تعهد سهام نداد (Leigh & Goldberg & Northey, 1971: 78).

۳- روند تحولات قانونگذاری در رابطه با نقش موضوع در اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس

۳-۱- قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۱۸۶۲

طبق مقررات قانون مذکور، موضوع شرکت باید در شرکت‌نامه قید می‌شد و تغییر شرکت‌نامه جز در موارد استثنایی امکان نداشت. لیکن ماهیت و جایگاه موضوع شرکت در شرکت‌نامه و اثر حقوقی آن بر اهلیت شرکت مشخص نبود. تعیین ماهیت و اثر حقوقی موضوع شرکت نیازمند تفسیر قضایی بود. این تفسیر در دعوی *Ashbury Railway carriage and Iron company Ltd V. Riche* در سال ۱۸۷۵ تثبیت شد. در این دعوا موضوعات مندرج در شرکت‌نامه عبارت بودند از: ساخت، فروش و کرایه وسایل، حمل بار در راه آهن و همه گونه دستگاه راه آهن، اثاثیه و لوازمات، ماشین آلات و نواقل روی خط و همچنین خرید و فروش چوب، زغال سنگ و فلزات. مدیران شرکت قراردادی برای تأمین بودجه ساخت یک راه آهن در بلژیک با ریچه^۱ منعقد نمودند. قرارداد به وسیله همه اعضای شرکت تنفیذ شد، اما بعداً شرکت قرارداد را انکار کرد. ریچه علیه شرکت به دلیل نقض قرارداد اقامه دعوی نمود. در دعوی مذکور مجلس اعیان باید یکی از این دو تفسیر را برمیگزید:

۱- فرض بر این است که قانونگذار همه اختیارات یک شخص طبیعی را به شرکت داده، مگر اختیاراتی که صریحاً یا ضمناً استثناء شده باشد.

۲- هر قراردادی که در محدوده موضوع شرکت قرار نگیرد، ممنوع بوده و شرکت اهلیت انجام اقدامات خلاف موضوع شرکت را ندارد.

مجلس اعیان تفسیر دوم را جهت تضمین حمایت از منافع طلبکاران و سهامداران اختیار کرد و به اتفاق آراء حکم به بطلان قرارداد به دلیل عدم اهلیت شرکت داد (vaidya, 2010: 4).

1. Riche

۳-۲- قانون شرکتهای تجاری مصوب ۱۹۴۸

نخستین اصلاح قانونی قاعده آلتراوایریز بعد از توصیه‌ها و پیشنهادات کمیته کهن^۱ در سال ۱۹۴۵ بود. پارلمان در تصویب ماده ۵ قانون شرکتهای تجاری ۱۹۴۸ امکان تغییر موضوع شرکت را به وسیله مصوبه خاص فراهم ساخت.

توانایی شرکت جهت تغییر قید موضوعی، اثر قاعده آلتراوایریز را به شکل بسیار محدودی تعدیل می‌کرد. قانونگذار به همه پیشنهادات کمیته کهن جامه عمل نپوشاند. کمیته مذکور پیشنهاد کرد که شرکت، به نفع اشخاص ثالث باید همه اختیارات یک شخص طبیعی را داشته باشد. این کمیته قائل به نسخ قاعده مذکور در ارتباط با اشخاص ثالث و حفظ آن در ارتباط با سهامداران جهت تأمین منافع آنان بود.

در سال ۱۹۶۲ کمیته جنکینز^۲ پیشنهاد نسخ قاعده اخطار حکمی^۳ را در ارتباط با اشخاص ثالث ارائه داد (Griffin, 1998: 17-18). هر چند پیشنهادات کمیته کهن و جنکینز مورد اقبال قانونگذار قرار نگرفت، لاجرم به دلیل ورود کشور انگلستان به جامعه اروپا و پذیرش قانون جوامع اروپایی مصوب ۱۹۷۲^۴، نقشی که موضوع شرکت در اهلیت شرکتهای تجاری ایفا می‌کرد، دستخوش اصلاحات اساسی شد.

۳-۳- قانون شرکتهای تجاری مصوب ۱۹۸۵

بند ۱ ماده ۳۵ در تلاش برای مطابقت با بند ۱ ماده ۹ قانون جوامع اروپایی^۵ مقرر کرد: «به نفع شخصی که با حسن نیت اقدام به انعقاد قرارداد با شرکت می‌کند هر معامله‌ای که به وسیله

1. cohen

2. jenkins

۳. این نظریه نسبت به اسناد عمومی شرکت (شرکت‌نامه و اساسنامه) اعمال می‌شد. مطابق این نظریه، فرض بر این بود که هر شخصی که با یک شرکت ثبت شده معامله می‌کند نسبت به مفاد اسناد عمومی شرکت آگاه است (برای توضیح بیشتر به مبحث سیر تحول در قاعده آلتراوایریز و ضرورت تعدیل آن در حقوق انگلیس رجوع شود).

4. European communities act 1972

۵. بند ۱ ماده ۹ قانون جوامع اروپایی مقرر می‌دارد: «اقدامات انجام شده توسط ارگان‌های شرکت برای شرکت الزام‌آور خواهند بود. حتی اگر آن اقدامات درون محدوده موضوع شرکت نباشد». بر اساس ماده بعدی دولت‌های عضو به طور جداگانه می‌توانستند در مقررات ملی خود اجازه دهند در صورتی که شرکت بتواند اثبات کند که طرف دیگر قرارداد آگاه از محدوده اهلیت شرکت بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد شرکت از مسئولیت رها شود. طبق این ماده افشای شرکت‌نامه شرکت به خودی خود دلیل کافی جهت اثبات آگاهی شخصی ثالث نمی‌باشد. بخش ۱ ماده ۹ قانون مذکور در ارتباط با اهلیت شرکت می‌باشد، این ماده اهلیتی مطلق در ارتباط با اشخاص ثالث به شرکت اعطاء می‌کند.

مدیران منعقد می‌گردد در محدوده اهلیت شرکت فرض می‌شود و محدوده اختیارات مدیران جهت ایجاد الزام برای شرکت آزاد از هر محدودیتی تحت شرکت‌نامه یا اساسنامه می‌باشد.^۱

بند ۲ ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: «شخص طرف معامله ملزم به تحقیق نسبت به اهلیت شرکت جهت انعقاد قرارداد یا نسبت به هر محدودیتی در مورد اختیارات مدیران نیست و فرض بر این است که با حسن نیت اقدام نموده مگر اینکه خلاف آن ثابت شود».

بند ۱ ماده ۳۵ قانون مذکور قاعده آلترا ویریز را جایی که شخص ثالث با حسن نیت اقدام به انعقاد قرارداد با شرکت می‌نماید در ارتباط با اشخاص ثالث نسخ نموده است و بند ۲ ماده ۳۵ در صدد نسخ قاعده اخطار حکمی می‌باشد.

اگر شخص ثالث نسبت به اینکه قرارداد خارج از موضوع شرکت است دارای اخطار واقعی باشد، عمدتاً اقدام او خلاف حسن نیت فرض می‌شود. اما شخص ثالث به‌رغم عدم وجود اخطار واقعی نسبت به موضوع شرکت، ممکن است با سوءنیت باشد. برای مثال در وضعیتی که شخص ثالث دارای کپی از شرکت‌نامه شرکت است و با تزویر آگاهی خود را نسبت به مندرجات آن انکار می‌کند. در دعوی Barclays Bank Ltd v TOSG قاضی نوریس بیان کرد: شخص ثالث در صورتی با حسن نیت فرض می‌شود که با توجه به شرایط پرونده صادقانه اقدام کرده باشد (Ibid. 20). بنابراین ماده مذکور صرف وجود یا عدم وجود اخطار واقعی را دلیل بر بودن یا نبودن حسن نیت نمی‌داند. بند ۲ ماده ۳۵ با نسخ قاعده اخطار حکمی، فرض را بر عدم آگاهی شخص ثالث نسبت به موضوع شرکت می‌داند و اثبات سوءنیت را برعهده طرف مقابل قرار می‌دهد. بنابراین شخص ثالث مکلف به بررسی شرکت‌نامه جهت احراز محدوده اهلیت شرکت نیست.

بررسی ماده ۳۵ قانون شرکت‌های تجاری ۱۹۸۵ و نحوه تدوین آن بیانگر وجود تفاوت‌هایی بین این ماده و ماده ۹ قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲ است. ماده ۹ قانون جوامع اروپایی با بکارگیری کلمه «اقدامات»^۲ همه اقدامات انجام شده توسط ارگان‌های شرکت را برای شرکت الزام‌آور می‌داند، اما ماده ۳۵ با به کار بردن فعل «معامله کردن»^۳ و کلمه «معامله»^۴، فقط، قراردادها و معاملات انجام شده از سوی شرکت را مورد حمایت قرار می‌دهد. بنابراین سایر

1. In favour of a person dealing with a company in good faith any transaction decided on by the directors is deemed to be one within the capacity of the company to enter into and the power of the directors to bind the company is deemed to be free of any limitation under the memorandum or articles.

2. acts

3. deal

4. transaction

اقدامات خلاف موضوع شرکت که دارای ماهیت معاملاتی نبوده مانند تصرفات رایگان در محدوده ماده ۳۵ قانون ۱۹۸۵ قرار نمی‌گیرد.

علاوه بر آنچه گفته شد ماده ۹ قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲ کلیه اقدامات انجام شده توسط ارگان‌های شرکت را مشمول ماده می‌داند. ماده ۲ قانون مذکور جهت تعریف ارگان‌های شرکت مقرر می‌دارد: «اشخاصی که مجاز هستند به عنوان یک مجموعه یا به عنوان عضوی از همان مجموعه، مطابق قانون در انعقاد قراردادها با اشخاص ثالث (و رسیدگی‌های حقوقی) به نمایندگی از شرکت عمل نمایند و یا در اداره و نظارت و کنترل امور شرکت مشارکت کنند».^۱

با توجه به تعریف ارائه شده در ماده ۲ قانون مذکور که مبتنی بر تساهل می‌باشد، اقدامات انجام شده توسط هر مدیر شرکت را ملزم می‌کند، اما ماده ۳۵ قانون ۱۹۸۵ با بکار بردن کلمه «مدیران»^۲ معاملاتی را که توسط مجموعه هیأت مدیره صورت نمی‌گیرد از قلمرو ماده خارج نموده است این در حالی است که تصمیمات اندکی در مورد قراردادهای شرکت توسط مجموعه هیأت مدیره صورت می‌گیرد و جلسات هیأت مدیره عمدتاً محدود به موضوعات بسیار مهم می‌باشد. بنابراین ماده ۳۵ قانون مذکور با به کار بردن واژه «مدیران» برخلاف رویه تجاری گام برداشته است (Ibid. 20-21).

بنابراین اگر چه تصویب ماده ۳۵ و اصلاحات به عمل آمده توسط قانون ۱۹۸۵، قدم قابل توجهی را به جلو جهت نسخ قاعده آلتراوایریز برداشت، اما این ماده از انتقادات و اشکالات به دور نبود. ماده مذکور تنها، قراردادهایی را که توسط هیأت مدیره انجام می‌شد تحت پوشش قرار داده و نسبت به سایر اقدامات خلاف موضوع شرکت و قراردادهایی که توسط مجموع مدیران صورت نمی‌گرفت، اعمال نمی‌شد. علاوه بر آن فقط اشخاص ثالثی را که با حسن نیت طرف معامله با شرکت بودند مورد حمایت قرار می‌داد و در خصوص حمایت از شرکت در مقابل اشخاص ثالثی که به آلتراوایریز بودن معامله استناد می‌کردند ساکت بود (Paull, 1997: 208).

۳-۴- قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۱۹۸۹

در دسامبر ۱۹۸۵ وزارتخانه تجارت و صنعت، پروفیسور پرنتمیس را جهت پژوهش و تحقیق در مورد نتایج تجاری و حقوقی قاعده آلتراوایریز منصوب نمود (Griffin, 1998: 21). پروفیسور

1. (2): persons who either as a body pursuant to law or as members of any such body are authorized to represent the company in dealing with third parties (and in legal proceeding) or take part in the administration, supervision or control of the company.
2. directors

پرنتمیس پیشنهاد کرد به شرکت‌ها اهلیتی همچون اشخاص طبیعی اعطاء نمود و اجازه عدم درج موضوع شرکت را در شرکت‌نامه داد. این راه‌حل ساده و آسان توسط کشور انگلیس برخلاف سایر کشورهای کامن‌لا پذیرفته نشد (Paull, 1997: 208).

اگر چه قانون شرکت‌های تجاری ۱۹۸۹ (برخلاف پیشنهاد پروفیسور پرنتمیس) تکلیف شرکت‌ها را جهت درج قید موضوعی در شرکت‌نامه، از بین نبرد، ماده ۲ قانون مذکور درج موضوع شرکت را در شرکت‌نامه لازم می‌داند جهت دوری جستن شرکت‌ها از درج موضوعات طولانی و پیچیده که بعد از دعوی Cotman v. Brogham رواج پیدا کرد، به شرکت‌ها اجازه داد تا موضوع شرکت را انجام هر فعالیت تجاری تعیین کنند (ماده ۳) (Griffin, 1998: 23).

قانون شرکت‌های تجاری با جایگزین کردن ماده ۳۵ جدید به جای ماده ۳۵ قانون قبلی، درصد بهبود مقررات مربوط به اهلیت شرکت بود. به موجب بند یک این ماده: «صحت یک عمل انجام شده توسط شرکت، نباید به موجب هیچ چیز در اساسنامه، به دلیل عدم اهلیت شرکت مورد تردید واقع شود».

با توجه به بند ۱ ماده ۳۵ می‌توان نتیجه گرفت که نه شخص ثالث و نه شرکت هیچ‌کدام توانایی در خواست بطلان معامله یا استناد به قاعده آلترا ویریز را ندارند (Paull, 1997: 211). پاراگراف اول بند ۱ ماده ۳۵ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «به نفع شخصی که با حسن نیت اقدام به معامله با شرکت می‌نماید، اختیار هیأت مدیره یا اشخاص مجاز و دارای اختیار جهت انجام چنین اقدامی، برای ایجاد الزام برای شرکت آزاد از هر محدودیتی تحت اساسنامه شرکت می‌باشد». برخلاف قانون ۱۹۸۵ که تنها از معاملات منعده توسط مدیران نام می‌برد، در این قسمت از ماده قانونگذار با بکار بردن عبارت «سایر اشخاص مجاز» در کنار هیأت مدیره، قراردادهای منعده توسط مأموران اجرایی را که به وسیله هیأت مدیره منصوب می‌شوند تحت حاکمیت قانون قرار داده است. با این وجود، این ماده مصون از ایراد نیست. ماده مذکور نسبت به معاملات منعده توسط ارگان‌های دیگر شرکت ساکت است. شرکت‌هایی وجود دارند که برخی از ارگان‌های آن‌ها مانند مجمع عمومی، طبق اساسنامه، اختیارات خاصی جهت انجام برخی اقدامات مانند انعقاد معامله دارند. علاوه بر آن با به کار بردن واژه هیأت مدیره مانند قانون ۱۹۸۵ قراردادهای منعده توسط یک مدیر را در بر نمی‌گیرد (Ibid. 213-214).

1. 35A (1): In favour of a person dealing with a company in good faith,+ the power of the board of directors to bind the company,or authorize others to do so, shall be deemed to be free of any limitations under the companys constitution.

پاراگراف اول بند ۱ ماده ۳۵ با به کار بردن فعل «معامله کردن» همان مشکلات موجود در ماده ۳۵ قانون ۱۹۸۵ را ایجاد کرد و این تصور را ایجاد نمود که تنها معاملات و قراردادهای، تحت حاکمیت قانون قرار دارند، اما بند ۲ ماده ۳۵ این قانون با تفسیری که از این کلمه ارائه می‌دهد، مشکلات ناشی از قانون قبلی را حل می‌کند. طبق پاراگراف اول بند ۲ ماده ۳۵: «یک شخص زمانی که طرف قرارداد یا عمل حقوقی دیگری باشد که طرف دیگر آن شرکت است، با شرکت معامله می‌کند». بنابراین با توجه به معیار روشنی که در این بخش از ماده وجود دارد، تنها اقداماتی که ماهیت قراردادی دارند مشمول ماده نیستند و هر اقدام خارج از اهلیت شرکت خواه ماهیت قراردادی داشته باشد یا نداشته باشد، مشمول قانون ۱۹۸۹ است.

در تفسیر معیار حسن نیت موجود در ماده مذکور، پاراگراف دوم بند ۲ ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: «یک شخص صرفاً به دلیل اینکه از اقدام مدیران فراتر از اختیاراتشان تحت اساسنامه، آگاه می‌باشد، با سوء نیت قلمداد نمی‌شود». طبق پاراگراف سوم بند ۲ ماده ۳۵: «فرض بر این است که شخص با حسن نیت اقدام کرده، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود».

طبق بند ۳ ماده مذکور: «وظیفه مدیران برای رعایت هر محدودیتی که بر اختیاراتشان بر اساس شرکت‌نامه وارد می‌شود باقی است. یک اقدام به وسیله مدیران که، بدون توجه به بند ۱، فراتر از اهلیت شرکت است فقط ممکن است به وسیله شرکت با یک مصوبه ویژه تصویب گردد. مصوبه مذکور تأثیری در مسئولیت ایجاد شده برای مدیران یا هر شخص دیگر نخواهد داشت، معافیت از چنین مسئولیتی باید به وسیله مصوبه ویژه جداگانه‌ای مورد توافق قرار گیرد».^۱

۳-۵- قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۲۰۰۶

پس از ایجاد قاعده آلتراوایریز و اعمال چاره‌اندیشی‌ها از سوی قضات و تجار جهت کاستن از آثار ناهمگون آن با دنیای اقتصادی از یکسو و تحولات قانونگذاری از سوی دیگر، سرانجام قانونگذار چاره را در اعطای اهلیت نامحدود به شرکت‌های تجاری دید. قانون شرکت‌های تجاری ۲۰۰۶ با اعطای اهلیتی نامحدود به شرکت‌های تجاری گامی بلند در عرصه تسهیل روابط تجاری شرکت‌های تجاری برداشت. دلیل ایجاد چنین تحولی در قانون و تأثیر آن بر محدوده اختیارات مدیران و حقوق سهامداران اقلیت، موضوعات مباحث آتی است.

1. Section 35 (3): It remains the duty of the directors to do serve any limitation on their powers flowing from the companies memorandum, an action by the directors wick but for subsection (1) would be beyond the company capacity may only be ratified by the company special resolution ratifying such action shall not effect any liability incurred be they directors or any other person; relief from any such liability must be agreed to separately by special resolution.

الف- دلیل اعطای اهلیت نامحدود به شرکت‌های تجاری

قانون شرکت‌های انگلیس متعلق به اواسط قرن نوزدهم میلادی و در راستای پاسخگویی به نیازهای شرکت‌های تجاری و فضای تجاری و اقتصادی همان زمان بود. با پیدایش تغییرات اقتصادی و اجتماعی، مقررات و راه‌حل‌های قانونی دیگر کارآمد نبود و از مسیر پیشرفت‌های دنیای تجاری عقب‌افتاده بود. با روند جهانی شدن اقتصاد، کشور انگلستان برای باقی ماندن در فضای رقابتی دنیای تجارت نیازمند قانونی کارآمد و تشریفات ساده و روان بود. علاوه بر آن کشور انگلستان می‌خواست به کشوری جهت جذب شرکت‌های تجاری از کشورهای مختلف تبدیل شود. قانون شرکت‌های تجاری انگلیس به دلیل داشتن قالب‌های پیچیده و قدیمی بودن توانایی همراهی انگلستان را جهت نایل شدن به اهداف مذکور نداشت. در چنین شرایطی وزارت صنعت و تجارت، کمیته CLT را جهت تعیین راه‌حلی مؤثر برای اداره شرکت‌های تجاری متناسب با تحولات اقتصادی در قرن بیست و یکم تشکیل داد. بنابراین کمیته CLT به وجود آمد تا پیشنهادهایی برای تدوین قانونی مدرن برای جهانی مدرن ارائه دهد (Morse, 2009: 48); (www.ukessays.com).

قانون شرکت‌های تجاری ۲۰۰۶ بر اساس پیشنهادات کمیته CLT، با نوآوری‌هایی همسو با تحولات اقتصادی، تدوین و تصویب گردید. از جمله ابداعات قانون جدید اعطای اهلیتی عام به شرکت‌های تجاری می‌باشد.

ب- اعطای اهلیت نامحدود به شرکت‌های تجاری

قانون شرکت‌های تجاری ۲۰۰۶ اهلیتی نامحدود به شرکت‌های تجاری اعطاء نمود (Talbot, 2008: 105). طبق بند ۱ ماده ۳۱ قانون مذکور: «جز در مواردی که اساسنامه شرکت به طور خاص موضوع شرکت را محدود می‌کند موضوع شرکت نامحدود است»^۱.

عمده‌ترین تغییر در خصوص اهلیت شرکت در قانون جدید، نقش قید موضوعی شرکت است. ماده ۸ قانون مذکور مقرر می‌کند که شرکت‌نامه باید بیانگر قصد تشکیل یک شرکت توسط امضاء کنندگان آن تحت حاکمیت این قانون باشد و در مورد یک شرکت با سرمایه سهامی حداقل سهمی را که هر کدام از آن‌ها می‌توانند دارا باشند در برگیرد. بنابراین شرکت‌نامه برخلاف قوانین قبلی دیگر دارای قید موضوعی نیست. قید موضوعی یک شرکت (اگر باشد) طبق ماده ۳۱ قانون مذکور در اساسنامه شرکت درج می‌گردد (Shahgilani, 2011: 5). قبلاً بر اساس قوانین پیشین، شرکت‌نامه در بردارنده مقررات مربوط به نام، آدرس، موضوع و سرمایه

1. Section 31 (1): unless a company's articles specifically restrict the object's of the company its object are unrestricted.

شرکت بود و اساسنامه در کنار شرکت‌نامه مقررات مربوط به مدیریت امور داخلی شرکت مانند زمان و چگونگی تشکیل جلسات هیأت مدیره و مجامع عمومی و وظایف مدیران شرکت بود. اما طبق قانون ۲۰۰۶، که بر اساس گزارش نهایی CLR تدوین یافته، شرکت‌نامه فقط در بردارنده موارد مقرر در ماده ۸ قانون مذکور بوده و امکان اصلاح و تغییر آن وجود ندارد و اطلاعات کلیدی مربوط به چگونگی تقسیم اختیارات بین مدیران و اعضای شرکت در یک جا یعنی اساسنامه درج می‌شود (Talbot, 2008: 77).

ج- تعیین موضوع شرکت و اختیارات و تکالیف مدیران

در ارتباط با شرکت‌های که موضوع شرکت در اساسنامه محدود گردیده، ماده ۳۹ قانون ۲۰۰۶ تعیین تکلیف نموده است. این ماده جایگزین ماده ۳۵ قانون ۱۹۸۹ شده است. بند ۱ ماده مذکور اشعار می‌دارد: «صحت یک عمل انجام شده توسط شرکت، نباید به موجب هیچ چیز در اساسنامه، به دلیل عدم اهلیت شرکت مورد تردید قرار گیرد». بندهای دوم و سوم ماده ۳۵ با بازنگری قانونگذار در قانون ۲۰۰۶ در ماده ۳۹ قید نشده است. ماده ۱۷۱ قانون ۲۰۰۶ مدیران را ملزم به اقدام بر اساس اساسنامه شرکت می‌داند (Ibid).

طبق بند ۱ ماده ۴۰: «به نفع شخصی که با حسن نیت اقدام به معامله با شرکت می‌نماید، اختیار هیأت مدیره یا اشخاص مجاز و دارای اختیار جهت انجام چنین اقدامی، برای ایجاد الزام برای شرکت آزاد از هر محدودیتی تحت اساسنامه شرکت می‌باشد». پارگراف اول بند ۲ ماده ۴۰ مقرر می‌دارد: «یک شخص زمانی که طرف قرارداد یا عمل دیگری باشد که طرف دیگر آن شرکت باشد، با شرکت معامله می‌کند». پارگراف دوم بند ۲ ماده ۴۰ دلالت بر عدم وجود قاعده اخطار فرضی در این قانون مانند قوانین پیشین دارد. بر اساس این ماده: «شخصی که با شرکت معامله می‌کند ملزم به تحقیق نسبت به هر محدودیتی بر اختیارات مدیران جهت ایجاد الزام برای شرکت یا سایر اشخاص مجاز برای انجام چنین اموری، نمی‌باشد»^۱. ماده مذکور در ادامه مقرر می‌دارد: «فرض بر این است که شخص ثالث با حسن نیت اقدام نموده مگر اینکه خلاف آن ثابت شود و صرفاً به دلیل آگاهی او از اینکه مدیران فراتر از اختیارات خود بر اساس اساسنامه اقدام نموده‌اند، به عنوان اقدام کننده با سوءنیت مورد توجه قرار نمی‌گیرد»^۲.

1. 40B (2): A person dealing with a company - (i) is not bound to enquire as to any limitation on the powers of the directors to bind the company or authorise others to do so.
2. 40B (2): (ii) it is presumed to have acted in good faith unless the contrary is proved, and (iii) is not to be regarded as acting in bad faith by reason only of his knowing that an act is beyond the powers of the directors under the company's constitution.

قانونگذار در مقررات مزبور برخلاف قانون ۱۹۸۹ در مورد امکان رفع مسئولیت از مدیران و تنفیذ اقدامات خلاف موضوع شرکت سکوت اختیار کرده است. در بند ۳ ماده ۳۵ قانون شرکت‌های تجاری ۱۹۸۹ قانونگذار امکان تنفیذ معاملات خلاف موضوع شرکت را با یک مصوبه خاص فراهم آورده بود. در قانون ۲۰۰۶ چنین مقرره‌ای وجود ندارد. به نظر می‌رسد امکان تنفیذ اقدامات خلاف موضوع شرکت با توجه به حکم کلی مندرج در ماده ۲۳۹ که تحت عنوان تنفیذ اقدامات مدیران می‌باشد، وجود داشته باشد. بند یک این ماده مقرر می‌دارد: «این بخش در مورد تنفیذ اقدامات مدیران که در نتیجه تقصیر، کوتاهی، نقض قانون یا نقض تراست می‌باشد اعمال می‌شود»^۱.

بر اساس بند دوم همین ماده: «تصمیم شرکت برای تنفیذ چنین اقداماتی باید به وسیله مصوبه و رأی اعضای شرکت باشد». منظور از مصوبه در این ماده مصوبه عادی^۲ می‌باشد؛ زیرا در مواردی که مصوبه ویژه لازم است، مانند تغییر اساسنامه در قانون تصریح شده است. با توجه به عدم تصریح قانون، منظور ماده ۲۳۹ از مصوبه، مصوبه عادی می‌باشد. مطابق بند ۱ ماده ۲۸۲ قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۲۰۰۶، «یک مصوبه عادی اعضای شرکت به معنای مصوبه‌ای است که به وسیله اکثریت ساده تصویب گردد». بر اساس بند ۱ ماده ۲۸۳ قانون مذکور: «یک مصوبه ویژه اعضای شرکت به معنای مصوبه‌ای است که به وسیله اکثریتی که کمتر از ۷۵٪ نیست تصویب گردد».

در قانون شرکت‌های تجاری ۱۹۸۹ در بند ۳ ماده ۳۵ قانونگذار، در صورت وقوع اقدامات خلاف موضوع شرکت، امکان رهایی مدیران شرکت را از مسئولیت به صراحت به وسیله مصوبه ویژه پیش‌بینی کرده بود. در قانون ۲۰۰۶ طبق ماده ۱۷۱ مدیران مکلف به اقدام بر اساس اساسنامه شرکت شده‌اند. بنابراین در صورت تعیین موضوع در اساسنامه، اختیارات مدیران شرکت محدود به موضوع شرکت است و در صورت نقض این تکلیف در مقابل شرکت و شرکاء مسئول می‌باشند. حال سؤال این است که آیا امکان رهایی مدیران متخلف از مسئولیت مانند قانون پیشین وجود دارد؟ و در صورت عدم پیش‌بینی چنین امری در قانون، امکان معافیت مدیران از مسئولیت بر اساس تصمیم مجمع عمومی یا اساسنامه می‌باشد؟ به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۲۳۲ قانون مذکور امکان چنین معافیتی وجود ندارد. بند ۱ ماده ۲۳۲ مقرر می‌کند: «هر مقرره‌ای

1. 239 Ratification of acts of directors (1) This section applies to the ratification by a company of conduct by a director amounting to negligence, default, breach of duty or breach of trust.
2. ordinary resolution

که حاکی از معافیت یک مدیر شرکت از مسئولیت (به هر اندازه) که به دلیل تقصیر، کوتاهی، نقض تکلیف یا نقض تراست بر او بار می‌شود، باشد باطل است.^۱ بند ۳ این ماده می‌گوید: «این ماده نسبت به هر مقررهای اعمال می‌شود خواه در اساسنامه شرکت یا در هر قرارداد با شرکت درج شده باشد. یا به هر شکل دیگر {این معافیت پیش‌بینی شود}».^۲

د- اعطای اهلیت نامحدود و حقوق سهامداران اقلیت

همان‌طور که گذشت قاعده آلتراوایریز جهت حمایت از حقوق شرکای شرکت به وجود آمد و یکی از ابزارهای مهم جهت کنترل مدیران توسط شرکای شرکت بود. امروزه با گسترش شرکت‌های سهامی با تعداد بی‌شماری از سهامدار، مسئله جدایی مدیریت از کنترل به وجود آمده است. مدیریت شرکت‌های سهامی در کنترل مدیران و سهامداران ذی‌نفع بوده و سهامداران اقلیت هیچ‌گونه نظارتی بر اداره امور شرکت ندارند. همین امر امکان تضییع حقوق سهامداران اقلیت را فراهم می‌کند.

به همین دلیل برخی از حقوقدانان نسخ قاعده آلتراوایریز و اعطای اهلیت نامحدود به شرکت‌های تجاری را در چنین شرایطی غیرقابل قبول می‌دانند. زیرا بر اساس قاعده مذکور سهامداران هدفی را که در وصول به آن سرمایه آن‌ها به کار گرفته می‌شد، می‌دانستند و اقدامات خلاف موضوع شرکت توسط هر کدام از شرکاء قابل ابطال بود. در نتیجه قاعده آلتراوایریز می‌توانست تضمین‌کننده توازن قدرت بین سهامداران اقلیت از یک طرف و سهامداران ذی‌نفع و مدیران از سوی دیگر باشد (Talbot, le, 2009: 7).

شماری دیگر از حقوقدانان معتقدند اعمال کورکورانه قاعده مذکور هیچ‌گونه حمایتی از اعضای شرکت نکرده، بلکه دامی برای اشخاص ثالث ناآگاه گردیده که با شرکت معامله می‌کنند. زیرا همان‌طور که بررسی گردید قاعده مذکور با توجه به نتایج نامطلوب تجاری، از تفسیر مضیق دعوی آشوری فاصله گرفته و تلاش‌های بسیاری جهت فرار از نتایج مذکور از سوی قضات و تجار صورت گرفت. در نتیجه توسل به راه‌های فرار از این قاعده کامن‌لایی، حمایت چندانی از شرکاء و سهامداران شرکت به عمل نمی‌آمد. این گروه از حقوقدانان قاعده مذکور را ابزار مناسبی جهت حمایت از حقوق شرکای شرکت ندانسته و حمایت از حقوق آن‌ها را

1. 232 (1): Any provision that purports to exempt a director of a company (to any extent) from any liability that would attach to him in connection with any negligence, default, breach of duty or breach of trust is void.
2. 232 (3): This section applies to any provision, whether contained in a company's articles or in any contract with the company or otherwise.

با توجه به سایر مقررات قانونی توصیه می‌کنند و نسخ قاعده آلتراوایریز را به دلیل عدم سازگاری با تحولات اقتصادی، ایجاد اختلال در تسهیل روابط تجاری و کاستن از قدرت انعطاف شرکت و مدیران در صحنه رقابتی دنیای تجارت، حمایت می‌کنند (2003: 829: pistor & ...).

اگر مدیران شرکت‌های تجاری از اهلیت نامحدود شرکت‌های تجاری سوءاستفاده نموده و سرمایه شرکت را در طرقی که به زیان شرکای شرکت است به کارگیرند، ماده ۹۹۴ قانون ۲۰۰۶ امکان اقامه دعوا شرکای شرکت را پیش‌بینی نموده است. وفق ماده مذکور در صورتی که امور شرکت به گونه‌ای اداره شود که ضرر غیرمنصفانه‌ای به منافع اعضای شرکت وارد شود، هر کدام از اعضای شرکت می‌تواند جهت جبران خسارت خود اقامه دعوا کند.

۴- حقوق ایران

بحث موضوع شرکت هم در شرکت‌های مدنی (مواد ۵۷۳ و ۵۷۵ قانون مدنی) و هم در شرکت‌های تجاری از سوی قانونگذار مطرح شده است. در علم تجارت موضوع شرکت به فعالیتی اطلاق می‌شود که شخص حقوقی در جهت کسب منفعت برای به دست آوردن آن تشکیل شده است. در حقوق شرکت‌ها بحث موضوع شرکت از چنان اهمیتی برخوردار است که هر گونه تغییر در آن مستلزم تغییر در اساسنامه یا شرکت‌نامه تلقی می‌شود. اگر موضوع شرکت به دلایلی از جمله فراهم گردیدن مجوزهای لازم جهت فعالیت شرکت منتفی شود یا انجام فعالیت شرکت غیرممکن گردد این امر می‌تواند از موجبات انحلال شرکت محسوب شود در این خصوص بند ۱ از ماده ۱۹۹ ت مقرر می‌دارد: «وقتی شرکت سهامی موضوعی را که برای آن تشکیل شده انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد منحل می‌گردد». همچنین در ماده ۲۰۱ ق ت آمده است: «در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد، هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد. در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقنن در بند ۲ از ماده ۷ و بند ۲ از ماده ۸ و نیز در ماده ۱۱۸ به موضوع شرکت پرداخته است.

برخی از حقوقدانان بر این باورند که اشخاص حقوقی تابع اصل تخصص می‌باشند؛ بدین معنی که هر شخص حقوقی فقط می‌تواند در حدود صلاحیت قانونی خود اقدام کند. این صلاحیت قانونی که از طریق تعیین موضوع فعالیت و هدف مشخص، روشن می‌گردد، در مورد اشخاص حقوقی امری محدود و معین است. زیرا شخص حقوقی قادر نیست که در همه انواع

فعالیت‌ها مداخله نماید. البته از این قاعده دولت استثناء شده است، زیرا که صلاحیت او عام و مطلق است و حق دارد در تمام امورات اجتماع مداخله نماید (صفر، ۱۳۹۰: ۳۹۴).

مطابق اصل تخصص اشخاص حقوقی برخلاف اشخاص حقیقی که می‌توانند در چهارچوب قانون، هر گونه فعالیت و عمل حقوقی مجاز را انجام دهند و آزادانه فعالیت نمایند، باید هدفی را که به خاطر آن تشکیل شده‌اند، تعقیب کنند و تنها باید در مسیر و هدف معین خود گام بردارند. در نتیجه باید گفت که اهلیت آنان محدود به صلاحیتی است که به آن‌ها اعطاء شده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۱: ۲۴۲).

در ایران اکثریت حقوقدانان اهلیت شرکت‌های تجاری را محدود به موضوع آن و تابع اصل تخصص می‌دانند. دکتر ستوده تهرانی بعد از بیان اینکه شرکت‌های تجاری مانند، اشخاص دارای اهلیت بوده و می‌توانند قبول تعهد کنند، در پاسخ به این سؤال که آیا این اهلیت مانند اشخاص حقیقی نامحدود است یا خیر؟ می‌گویند: «راجع به معاملات بازرگانی، قانون ایران اصلاً محدودیتی برای شرکت‌های تجاری قائل نمی‌شود، ولی باید در نظر داشت که موضوع شرکت در اساسنامه آن تعیین می‌شود و معاملات بازرگانی باید با موضوع شرکت مرتبط باشد؛ مثلاً اگر شرکتی برای استخراج معدن زغال‌سنگ در شهرستان مخصوصی تشکیل شده است و این موضوع در اساسنامه آن تصریح شده باشد. این شرکت نمی‌تواند مبادرت به عمل فلاحتی در نقطه دیگر نماید، زیرا امر مزبور با موضوع شرکت که طبق قرار شرکاء در اساسنامه تصریح شده است، میبایست دارد و تا زمانی که اساسنامه شرکت تغییر نکرده است، زغال‌سنگ تجاری دارای اهلیت برای معاملاتی می‌باشند که در اساسنامه آن‌ها پیش‌بینی شده است و خارج از این حدود مدیران شرکت مجاز به معامله نیستند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

یکی دیگر از حقوقدانان همسو با این نظر بیان می‌کند: «شرکت تجاری موجودی اعتباری است. شخصیت و اهلیت آن تا حدودی است که به آن اعطاء شده است و از این رو اهلیت آن بالفعل، ذاتی و بدون قید و شرط نیست» (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

پیروان نظریه عدم اهلیت شرکت نسبت به امور خارج از موضوع شرکت معتقدند که اقدامات خارج از موضوع شرکت توسط مدیران به دلیل عدم اهلیت شرکت باطل است. در تفسیر ماده ۱۱۸ ل.ا.ق. ت گفته شده است: قاعده مذکور در صدر ماده ۱۱۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ با این منطبق حقوقی سازگار است که مدیران نمی‌توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند. این قاعده که بیشتر برای حفظ حقوق شرکت و شرکاء مقرر شده است با قواعد و کالت مطابقت دارد،

زیرا به موجب ماده ۶۶۲ قانون مدنی «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد» (اسکینی، ۱۳۷۷: ۱۵۲/۲).

در مقابل نظریه اکثریت برخی از حقوقدانان اهلیت شرکت را محدود به موضوع آن نمی‌دانند. مطابق این نظریه اهلیت شرکت تجاری محدود به موضوع شرکت نیست. تنها ماده‌ای که در قوانین در خصوص محدوده اهلیت اشخاص حقوقی موجود است، ماده ۵۸۸ ق. ت می‌باشد. این ماده مقرر می‌کند: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد. مانند، حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک».

پیروان این نظریه معتقدند در این ماده تنها استثنایی که بر اهلیت اشخاص حقوقی، به طور کلی، وارد شده، حقوق و تکالیفی می‌باشد که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد. بنابراین ماده مزبور به هیچ‌وجه بر محدود بودن اهلیت اشخاص حقوقی به موضوع آن‌ها دلالت ندارد. یعنی اصل تخصص را به عنوان محدودکننده اهلیت اشخاص حقوقی به شمار نیاورده است.

یکی از پیروان این نظریه می‌نویسد: «در باب سوم قانون تجارت و نیز لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که به احکام شرکت‌های تجاری اختصاص یافته است حکمی که صریحاً یا ضمناً حاکی از محدود بودن اهلیت شرکت تجاری باشد، ملاحظه نمی‌گردد» (کاویانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

در اثبات این نظریه گفته شده: «اگر چه با توجه به قانون دیوان عدالت اداری و اصل ۵۷ قانون اساسی، نسبت به اعمال اصل تخصص در مورد اشخاص حقوقی وابسته به حقوق عمومی جای تردید نیست، اما در تعمیم این اصل بر اشخاص حقوقی وابسته به حقوق خصوصی، به علت نبودن دلیل قانونی و با توجه به عموم و اطلاق ماده ۵۸۸ قانون تجارت می‌توان تردید نمود و به ویژه احتمال عدم تعمیم را این نکته تقویت می‌کند که مقنن در ماده فوق‌الذکر در خصوص اصل تخصص سکوت اختیار نموده و اهلیت اشخاص حقوقی را به آن مقید نکرده است. سکوت قانونگذار، با آنکه در مقام بیان بوده است، نشان دهنده آن است که اصل تخصص از جمله عوامل محدودکننده اهلیت اشخاص حقوقی نیست» (حیدرپور، ۱۳۸۲: ۱۳۲).

علاوه بر دلایلی که جهت اثبات این نظریه از سوی پیروان آن بیان شد یکی دیگر از حقوقدانان در جهت اثبات این نظریه می‌گوید: به نظر می‌رسد اصل تخصص نمی‌تواند استثناء بر اهلیت عام شخص حقوقی به شمار آید، چرا که در این صورت حدود استثناء

موضوع شخص حقوقی به مراتب عام تر از خود قاعده اهلیت عام شخص حقوقی خواهد شد (پاسبان، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۲).

این نویسنده، استدلال خود را بر یکی از قواعد علم اصول بنا کرده است که بر اساس آن تخصیص اکثر ناپسند است. یعنی اگر حکمی به صورت عام بیان شود و بعد بیشتر افراد عام از آن حکم مستثناء شوند چنین بیانی ناپسند است زیرا خارج از روش متعارف سخن است و هم مایه ضعف استدلال به آن عام می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۶: ۹۹).

به‌رغم وجود غیرقابل تردید اصل تخصص نسبت به اشخاص حقوقی حقوق عمومی، نسبت به وجود این اصل در خصوص شرکت‌های تجاری تردید است. امروزه بسیاری از شرکت‌های تجاری از چنان موضوعات موسع، کلی و پیچیده برخوردارند که گاه تعیین این امر که آیا موضوع خاصی در محدوده اهلیت شرکت قرار می‌گیرد؟ امر مشکلی است.

با بررسی قوانین موجود مقرره‌ای قانونی که اهلیت شرکت را محدود به موضوع آن نماید وجود ندارد. تنها ماده‌ای که موضوع شرکت را به عنوان عاملی جهت تحدید اقدامات انجام شده توسط مدیران شرکت تجاری بیان نموده است ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌باشد. ماده مذکور می‌گوید: «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند. مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است». مطابق این ماده مدیران باید در چهارچوب موضوع شرکت عمل کنند. اما مسئله قابل ذکر در این خصوص این می‌باشد که آیا ماده مذکور بیانگر اهلیت شرکت در محدوده موضوع شرکت می‌باشد؟

در این ماده ضمن بیان اصل عام بودن اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی دو استثناء بر این اصل وارد شده است؛ یک استثناء مربوط به موردی است که اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی محدود شده است و دیگری عدم اختیار مدیران نسبت به موارد خارج از موضوع شرکت است. مطابق ماده ۱۱۸ ل. ا. ق. ت مدیران باید در چهارچوب موضوع شرکت عمل کنند. اما مسئله قابل ذکر در این خصوص این است که آیا ماده مذکور بیانگر اهلیت شرکت در محدوده موضوع شرکت می‌باشد؟

ممکن است گفته شود عدم اختیار مدیران شرکت دلالت بر عدم اهلیت شرکت در موارد خارج از موضوع شرکت دارد. زیرا در اینجا معلول یعنی محدودیت اختیار مدیران شرکت نسبت به موضوع شرکت ما را به علت یعنی عدم اهلیت شرکت در موارد خارج از موضوع رهنمون می‌کند. بنابراین این امر بیانگر پذیرش اصل تخصص از سوی قانونگذار است.

در پاسخ باید گفت زمانی که از راه علت پی به وجود معلول ببریم (برهان لمی) می‌توانیم به نتیجه استدلال خود یقین حاصل کنیم، زیرا وجود علت دلیل کامل بر وجود معلول است ولی وجود معلول دلیل ناقص بر وجود علت می‌باشد. در اینجا نمی‌توان به صرف وجود معلول (عدم اختیار مدیران شرکت در موارد خارج از موضوع) به طور قاطع و یقینی علت را عدم اهلیت شرکت در موارد خارج از موضوع بدانیم. در اینجا علم و یقین نداریم که آیا واقعاً علت صدور چنین حکمی از سوی قانونگذار عدم اهلیت شرکت در موارد خارج از موضوع شرکت است یا خیر؟ زیرا این احتمال وجود دارد که بگوییم به دلیل وجود اهلیت شرکت در موارد خارج از موضوع قانونگذار تصریح به عدم اختیار مدیران در موارد خارج از موضوع نموده است. همان طور که در صدر ماده مذکور مواردی را که قانوناً در صلاحیت مجامع عمومی است از محدوده اختیارات مدیران خارج نموده است.

با بررسی ماده ۱۱۸ ل. ا. ق. ت می‌توان گفت که تعیین موضوع شرکت جهت تعیین محدوده اختیارات مدیران شرکت است و این امر چیزی جز توانایی و صلاحیت تنفیذ این اقدامات از سوی شرکت نمی‌باشد. بنا بر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد اهلیت شرکت محدود به موضوع شرکت نیست. مطابق ماده ۵۸۸ ق. ت شرکت‌های تجاری دارای اهلیت عام و گسترده می‌باشند و تنها استثنای وارد بر این اهلیت چنانکه این ماده بر آن تصریح دارد، اموری است که خاص انسان می‌باشد، که خروج این امور از اهلیت شرکت‌های تجاری خروجی تخصصی است. پذیرش اهلیت شرکت نسبت به امور خارج از موضوع شرکت، به معنای عدم اهمیت موضوع شرکت نیست. می‌توان گفت هدف از ذکر موضوع شرکت تحدید اختیارات مدیران بوده است.

برخی با وجود پذیرش اصل تخصص در این زمینه شک و تردید داشته و چنین می‌نویسند: «در رابطه با اجرای اصل اختصاصیت بر فعالیت‌های اشخاص حقوقی وابسته به حقوق خصوصی نیز مشکلاتی وجود دارد. از آن جمله اینکه اولاً، گاه فعالیت این اشخاص گسترده و متنوع است؛ ثانیاً، این اشخاص می‌توانند از طریق مجمع عمومی فوق‌العاده، مواد اساسنامه خود و از آن جمله هدف و موضوع فعالیت خویش را تغییر دهند» (صفار، ۱۳۹۰: ۳۹).

قانونگذار ایران درباره تعیین نقشی که موضوع شرکت جهت تعیین اهلیت شرکت‌های تجاری ایفا می‌کند ساکت است. با توجه به عدم وجود مقرراتی کامل و صریح، در نظام حقوقی کشورمان مباحث مرتبط با اهلیت شرکت‌ها همواره دستخوش نظریات و برداشت‌های متفاوت است که این امر حقوق اشخاص ثالث و شرکای شرکت را به مخاطره می‌اندازد. قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ و لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ قوانین بسیار قدیمی هستند و باید با توجه به تحولات حقوق تجارت و تغییرات عمیقی که در قوانین تجاری دنیا به عمل آمده است اصلاح شوند. این در حالی است که در لایحه جدید قانون تجارت این مسئله همچنان مسکوت مانده و بنابراین با وجود تصویب لایحه جدید با ترتیب کنونی، همچنان راه برای تفاسیر حقوقی مختلف و تضییع حقوق اشخاص ثالث باز می‌باشد. ماده ۱۲۹ لایحه فوق‌الذکر تکرار ماده ۵۸۸ قانون تجارت فعلی است. ماده ۲۰۸ لایحه جدید که محدوده اختیارات مدیران را مشخص می‌کند، تأثیر موضوع شرکت در تعیین یا عدم تعیین اختیارات مدیران را مشخص نمی‌کند. این در حالی است که تعیین موضوع جهت ثبت و تشکیل شرکت در اسناد شرکت به موجب مواد این لایحه مانند، مواد ۱۴۶، ۱۵۱ لازم است. متأسفانه لایحه جدید همچون قوانین سلف خود تکلیف قراردادهای خلاف موضوع شرکت را معین نکرده است. امید است که قبل تصویب نهایی لایحه مذکور، نقشی را که موضوع شرکت در اهلیت شرکت دارد، مشخص و وضعیت حقوقی اقدامات خلاف موضوع همسو با نیازهای تجاری و تحولات اقتصادی معین گردد. امروزه با توجه به نقش شرکت‌های تجاری به عنوان بازیگران مؤثر در چرخه اقتصادی، وضع قوانین بدون توجه به نیازهای تجاری و ساختار اقتصادی شرکت‌های تجاری، کارآمد نیست. شرکت‌های تجاری در ایران جهت فعالیت در فضای رقابتی اقتصادی و داشتن انعطاف لازم در تصمیم‌گیری برای انطباق خود با تحولات سریع تجاری، با تعیین فعالیت‌های گسترده به عنوان موضوع شرکت از نتایج اصل تخصیص فرار می‌کنند.

هر چند در نگاه اول تعیین اهلیت شرکت در محدوده موضوع، راهی مناسب جهت نظارت بر امور شرکت و حمایت از حقوق شرکای شرکت می‌باشد، اما وجود شرکت‌های تجاری با موضوعات گسترده تجاری و به ویژه شرکت‌های تجاری چندمنظوره در کشورمان بدون وجود سیستم نظارتی قوی بر مدیران شرکت، خلاف این امر را نشان می‌دهد. در حال حاضر در ایران شاهد وجود شرکت‌هایی می‌باشیم که نام شرکت‌های چندمنظوره که به فعالیت‌های عمرانی، خدماتی، دامپروری و کشاورزی می‌پردازند و موضوع شرکت دارای چنان فعالیت‌های گسترده

و کلی می‌باشد که اگر بگوییم شرکت اهلیتی نامحدود دارد دور از واقعیت سخن نگفته‌ایم به عنوان مثال در بسیاری از شرکت‌های مورد مطالعه انجام فعالیت‌های صنعتی مانند ساخت ماشین‌آلات و انجام پروژه‌های متعدد صنعتی در کنار فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، پرورش آبزیان و طیور در کنار فعالیت‌های ساخت و ساز و نیز ارائه خدمات اداری و مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی و انجام صادرات و واردات و انجام امور فرهنگی همراه با فعالیت‌های دیگر به عنوان موضوع تعیین گردیده است. وجود چنین شرکت‌هایی با خلاء قوانین مؤثر جهت نظارت بر امور شرکت و سیستم بازرسی قوی، حقوق سهامداران شرکت و اشخاص ثالث را بیشتر به مخاطره می‌اندازد. با توجه به آنچه گفتیم به نظر می‌رسد، قوانین کنونی از تغییرات و تحولات موجود در کشورمان عقب افتاده و پاسخگوی شرایط تجاری و اقتصادی فعلی نمی‌باشد.

با توجه به تحولات و تجربیات حقوقی سایر کشورهای پیشرفته در زمینه حقوق شرکت‌ها به نظر می‌رسد راه‌حل در ایجاد تعادل بین لزوم اعطای آزادی و انعطاف لازم به شرکت‌ها جهت تسهیل و سرعت روابط تجاری از یک طرف و کنترل و نظارت بر مدیران از طرفی دیگر می‌باشد. با عدم تحدید اهلیت شرکت در محدوده موضوع، آزادی شرکت‌های تجاری در انجام معاملات، صحت معاملات با اشخاص ثالث و در نتیجه سرعت و امنیت لازم در دنیای تجاری تضمین می‌گردد.

اعطای آزادی مذکور باید همراه با سیستم نظارتی قوی بر مدیران شرکت باشد تا از اختیارات خود سوءاستفاده ننموده و آزادی مذکور به افزایش سود و بهبود شرایط اقتصادی منتهی گردد. قانون تجارت باید به گونه‌ای تنظیم گردد تا با اعمال نظارت قوی بر مدیران و پیش‌بینی سازوکارهایی جهت حفظ حقوق سهامداران اقلیت، امکان ایجاد اختلاف را به حداقل برساند. ایجاد سیستم حسابرسی دقیق، تعیین چارچوبی برای پاسخگویی مدیران و گزارش دهی به موقع و شفاف و افشای اطلاعات و ایجاد سازمان بازرسی قوی مستقل از شرکت می‌تواند امکان سوءاستفاده و تضییع حقوق سهامداران را به حداقل برساند.

۵- حقوق استرالیا

در کشور استرالیا، تا قبل از سال ۱۹۸۳ موضوع شرکت باید در اساسنامه درج می‌گردید و اقدامات خارج از موضوع شرکت، آلتراوایریز و باطل بود (Roman, 2002: 209). امروزه با توجه به تحولات قانونی، درج قید راجع به موضوع شرکت در اساسنامه شرکت دیگر الزامی نبوده و قاعده آلتراوایریز اعمال نمی‌گردد. بند ۱ ماده ۱۲۴ قانون شرکت‌ها مصوب

۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «یک شرکت اهلیت حقوقی و اختیارات یک شخص طبیعی را داراست».^۲ بند ۲ ماده ۱۲۵ قانون مذکور می‌گوید: «اگر یک شرکت اساسنامه داشته باشد، موضوع شرکت ممکن است در آن قید گردد. یک اقدام شرکت صرفاً به دلیل اینکه خلاف یا فراتر از موضوعات مندرج در اساسنامه شرکت است، نادرست نمی‌باشد».^۳ بنابراین با توجه به مواد مذکور، شرکت‌های تابع قوانین استرالیا، اهلیتی عام و نامحدود همچون اشخاص حقیقی دارا بوده و درج موضوع شرکت امری ضروری نمی‌باشد.

اهلیت حقوقی که به وسیله بند ۱ ماده ۱۲۴ به شرکت‌های تجاری اعطاء گردیده حتی در صورت تعیین موضوع شرکت در اساسنامه، باقی است. در نتیجه اگر شرکتی خلاف موضوع خود معامله‌ای منعقد نماید، با توجه به مواد ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون مذکور، نمی‌توان گفت معامله به دلیل فقدان اهلیت شرکت، باطل است. تعیین موضوع، نشان‌دهنده تلاشی جهت تعیین محدوده اقدامات و عملیات شرکت می‌باشد و نه اهلیت آن (Ibid. 211).

هر چند معاملات خارج از موضوع شرکت به دلیل فقدان اهلیت باطل نمی‌باشد، اما در صورت معین بودن موضوع شرکت در اساسنامه اگر شخص طرف معامله در لحظه انعقاد قرارداد، علم یا ظن به وجود محدودیت‌هایی در اساسنامه شرکت داشته باشد، مزایایی که در قانون برای حمایت از او تعیین شده، از بین خواهد رفت و قانون از او حمایت نمی‌کند (Ibid. 209).

بند ۱ ماده ۱۲۹ قانون مذکور می‌گوید: «یک شخص می‌تواند فرض کند که اساسنامه شرکت (اگر باشد) و هر یک از مقررات این قانون، که به عنوان قواعد جانشین شدنی (تکمیلی) نسبت به شرکت اعمال می‌شوند، توسط مدیر یا منشی شرکت تبعیت و اجرا می‌گردند».^۴ بنابراین در صورت تعیین موضوع شرکت در اساسنامه شخص ثالث می‌تواند فرض کند، معاملات منعقد شده توسط مدیران شرکت در محدوده موضوع شرکت است؛ اما بند ۴ ماده ۱۲۸ همین قانون اشعار می‌دارد: «یک شخص اگر در زمان انعقاد معامله می‌دانسته یا گمان می‌کرده که امارات نادرست می‌باشند، نمی‌تواند از امارات موجود در ماده ۱۲۹ استفاده کند».^۵

1. corporations act 2001

2. 124 (1): A company has the legal capacity and powers of an individual.

3. 125 (2): If a company has constitution, it may set out the companys objects. an act of the company is not invalid merely because it is contrary to or beyond any objects in the companys constitution.

4. 129 (1): (1): A person may assume that the company's constitution (if any), and any provisions of this Act that apply to the company as replaceable rules, have been complied with Director or company secretary.

5. 128(4): A person is not entitled to make an assumption in section 129 if at the time of the dealings they knew or suspected that the assumption was incorrect.

آنچه گفته شد به این معنا نیست که درج فید راجع به موضوع در اساسنامه شرکت هیچ اثری ندارد. در دعوی *Darvall v North Sydney Brick and Tile co Ltd* قاضی Bryson گفت: هر چند مقررات قانونی، قاعده آلتراوایریز را از میان برداشته، اما این مقررات به معنای از بین رفتن تعهداتی که به موجب اساسنامه بین شرکاء و شرکت می‌باشد، نیست (Ibid). در صورت درج موضوع شرکت در اساسنامه وقوع اقدامات خلاف موضوع شرکت دعوی زیر را می‌تواند سبب شود:

- ۱- دعوی علیه مدیر یا مقام مسئول شرکت جهت نقض وظیفه قانونی مراقبت یا حسن نیت بر اساس مواد ۱۸۰ و ۱۸۱ قانون شرکت‌ها ۲۰۰۱.
- ۲- تقاضای یکی از اعضای شرکت جهت صدور حکم انحلال شرکت، زیرا شرکت، دیگر مطابق قصد عموم و توافق مشترک اعضای تشکیل‌دهنده اداره نمی‌شود (بند ماده ۴۶۱) (Ibid).

نتیجه‌گیری

سال‌های متمادی بر اساس قاعده آلتراوایریز اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس و استرالیا محدود به موضوع شرکت بود. قاعده آلتراوایریز جهت حمایت از حقوق شرکای شرکت اعمال می‌شد. با اعمال قاعده فوق شرکای شرکت، موضوعی را که در وصول به آن سرمایه آن‌ها به کار می‌رفت می‌دانستند و اقدامات خلاف موضوع شرکت توسط هر کدام از شرکاء قابل ابطال بود. در نظام حقوقی ایران به دلیل فقدان نص قانونی، بین حقوقدانان اختلاف نظر است. اکثریت حقوقدانان اهلیت شرکت را با استناد به اصل تخصص محدود به موضوع شرکت می‌دانند.

تحدید اهلیت شرکت نتایج نامطلوبی در فعالیت‌های شرکت‌های تجاری داشته و با تحولات اقتصادی به وجود آمده سازگاری ندارد. محدود کردن اهلیت شرکت‌های تجاری راه را بر تسریع و تسهیل روابط تجاری می‌بندد و رونق و شکوفایی تجاری را تضعیف می‌نماید. جهت فرار از چنین نتایجی، فعالیت‌های وسیع و کلی به عنوان موضوع شرکت‌های تجاری تعیین می‌گردد. تعیین چنین فعالیت‌هایی به عنوان موضوع به گونه‌ای صورت می‌گیرد که گویی شرکت اهلیت نامحدود دارد. بنابراین با وجود چنین شرایطی محدود کردن اهلیت شرکت راهی مناسب جهت نظارت بر امور شرکت و حمایت از حقوق سهامداران شرکت نیست.

از طرف دیگر با وجود درج فعالیت‌های وسیع و کلی در اساسنامه، امکان تعیین محدوده دقیق اهلیت شرکت‌های تجاری مشکل است و همواره اشخاص ثالث طرف قرارداد با شرکت را،

با خطر انکار قرارداد از سوی شرکت به بهانه عدم اهلیت شرکت مواجه می‌کند و این امر امنیت در روابط تجاری را تضعیف می‌کند.

امروزه در کشور انگلیس و استرالیا جهت همگام شدن با تحولات اقتصادی و پاسخگویی به نیازهای تجاری اهلیت نامحدودی به شرکت‌های تجاری اعطاء شده است. تحولات قانونی اخیر در انگلیس و استرالیا جهت وصول به سه هدف می‌باشد:

۱- برقراری عدالت بین منافع اعضای شرکت و اشخاص ثالثی که طرف معامله با شرکت می‌باشند.

۲- تضمین این امر که شرکت هیچ‌گونه محدودیتی را نسبت به اهلیت حقوقی‌اش ندارد.

۳- اذعان به این مطلب که موضوع شرکت وسیله مناسب و کار آمدی برای کنترل فعالیت‌های تجاری شرکت و حمایت از منافع اعضاء و طلبکاران شرکت نیست (Roman, 2002: 209).

در لایحه جدید قانون تجارت ایران همانند قانون تجارت فعلی مسئله مورد بحث تعیین تکلیف نشده است. می‌توان با اعطای اهلیت نامحدود به شرکت‌های تجاری در جهت پاسخگویی به نیازهای تجاری و تحولات اقتصادی گام برداشت. اعطای آزادی مذکور باید همراه با سیستم نظارتی قوی بر مدیران شرکت باشد تا از اختیارات خود سوءاستفاده ننموده و آزادی مذکور به افزایش سود و بهبود شرایط اقتصادی منتهی گردد. قانون تجارت باید به گونه‌ای تنظیم گردد تا با اعمال نظارت قوی بر مدیران و پیشبینی سازوکارهایی جهت حفظ حقوق سهامداران اقلیت، امکان ایجاد اختلاف را به حداقل برساند.

منابع

الف - فارسی

۱. اسکینی، ربیعا؛ *حقوق تجارت شرکت‌های تجاری*، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲. پاسبان، محمدرضا؛ «اهلیت شرکت‌های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت‌های تجاری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، «۱۳۸۹»، شماره ۵۱.
۳. حیدرپور، البرز؛ *محدودیت‌های مدیران شرکت در انجام معاملات بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس*، انتشارات درخشان، ۱۳۸۲.
۴. ستوده تهرانی، حسن؛ *حقوق تجارت*، جلد ۱، تهران، نشر دادگستر، چاپ هجدهم، ۱۳۸۷.
۵. صفار، محمدجواد؛ *شخصیت حقوقی*، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۶. طباطبایی مومنی، منوچهر؛ *شخصیت حقوقی، تحولات حقوق خصوصی* (زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۷. عیسائی تفرشی، محمد؛ *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری*، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۸. کاویانی، کوروش؛ *حقوق شرکتهای تجاری*، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۹. محمدی، ابوالحسن؛ *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۶.

ب- لاتین

10. barker, david & padfield, colin; 1992, *law made simple, London*, clays ltd, eighth ed.
11. chitty, joseph, 1977, *Chitty on contracts*, Volume 1 ed, London, sweet and Maxwell, twentieth.
12. dignam, alan & lawry, john; 2001, *Company law*, London, Oxford university press.
13. farrar, John & furey, Nigel & Hannigan, Brendam; 1991, *Farrar's company Law*, London, Butterworths, third ed.
14. Griffin, Stephen; 1998, "The Rise and Fall of the *Ultra Vires Rule in Corporate Law*", Mountbatten journal of legal studies.
15. Leigh, Leonard & Goldberg, Douglas & Northey, jf; 1971, *Introduction to company law in new Zealand*, London, Butterworth, forth ed.
16. Morse, Geoffrey; 2009, *Palmer's Company Law*, London, Sweet & Maxwell.
17. Pistor, Katharina; Keinan, Yoram; Kleiniheistekamp, Jan; 2003, *University of Pennsylvania*, Journal of International Economic Law, Vol. 23.
18. PauLL, Davies; 1997; *Cower's principles of modern company Law*, London, sweet & Maxwell, sixth ed.
19. shahgilani, seyed reza; 2011, *The doctrine of ultra vires and its subsequent development in the frame work of company law*. <http://ssrn. Com>
20. Talbot, Le; 2008, *Critical Company Law*, USA and Canada, Routledge-Cavendish, Firs ed.
21. Talbot, Le; 2009; *Critical Corporate Governance and the Demise of the Ultra Vires Doctrine*. <http://ssrn. Com>
22. Tomaic, Roman; 2002, *Corporation law in Austrlia*, Sydney, Federation press, second ed.

23. vaidya, Nidhi; 2010, *Applicability of doctrine of ultra vires on companies*. <http://ssrn.com>
24. www.ukessays.com
25. European communities act 1972.
26. Companies act 1985.
27. Companies act 1989.
28. Companies act 2006.
29. Corporations act 2001.